: https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.49954.0
مقالهٔ پژوهشی-مطالعهٔ موردی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱٤۰۰، شمارهٔ پیاپی ۳۷

تبیین رابطهٔ طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی
(نمونه‌پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه مَمَسَنی)

محمدرضا حافظ‌نیا (استاد جغرافیای سیاسی،دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)
hafezn_m@modares.ac.ir
وحید صادقی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسندهٔ مسئول)
vahidsadeghi86@yahoo.com

صص ۹۱ ـ ۵۵

چکیده

حوزه انتخابیه ممسنی ازجمله سکونتگاهی است که بافتی قومی و طایفه‌ای دارد. از رهگذر چنین فرهنگی، الگوی مشارکت سیاسی طایفه/زادگاه‌محور دارد. هدف پژوهش حاضر، تبیین رابطهٔ طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی است. داده‌کاوی به صورت توصیفی-تحلیلی و گردآوری، کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه و مشاهده) است. سه دور اول انتخابات مجلس شورای اسلامی که هنوز طایفه‌گرایی شکلِ خشونت‌بار و تعصب‌آلود نگرفته بود، میزان مشارکت سیاسی (انتخاباتی) فرایند طبیعی خود را داشته است، اما از دوره‌های چهام و پنجم به بعد، شاهد مرزبندی‌های اجتماعی و جغرافیایی هستیم که ساکنان را از یکدیگر جدا کرد و مفاهیم «خود» و «دیگران» را تولید کرد و به همراه داشت. این مسئله به شکل‌گیری رفتار انتخاباتی هویت‌گرایانه و هماوردی خیابانی طایفه‌ای منجر شد و میزان مشارکت سیاسی را تحت‌الشعاع قرار داد و شعله‌های آن را فزون‌تر کرد؛ به‌طوری‌که برطبق داده‌ها،

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰٤/۰٤

مشارکت، روندی صعودی فزاینده‌ای را طی می‌کند و حتی از جمعیت واجد شـرایط بیشتر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای انتخابات، طایفه‌گرایـی، مشـارکت سیاسـی و حـوزه انتخابیـه مَمَسَنی.

۱. مقدمه

انتخابات[۱]، هسته اصلی دموکراسی و مشارکت، کانون محوری انتخابات است. مشارکت سیاسی در هر جامعه‌ای متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی، باورهای مذهبی و پیشینه تاریخی آن جامعه شکل می‌گیرد؛ به‌نحوی‌که در فضاهای جغرافیایی پیرامونی و توسعه‌نیافته با توجه به فرهنگ سنتی و عشیره‌ای حاکم بر این جوامع، مشارکت سیاسی بیش از آنکه متکی بر عقلانیت جمعی و دموکراسی باشد، شناسه‌های فضایی و طایفه-ای نقش اصلی را در جغرافیای تصمیم‌گیری افراد ایفا می‌کند. فضای جغرافیایی ممسنی از دیرباز محل سکونت و زیستگاه مردمانی کوچ‌زی و عشایر بوده است و تاکنون فرهنگِ برخاسته از این نوع شیوه زیست در این اجتماع پابرجا و استوار مانده است. به نظر می‌رسد این فرهنگ در تمام امور اجتماعی ممسنی جریان و اثربخش است و با وجود مزایا و فضیلت های اخلاقی و انسانی (تعاون و همکاری اجتماعی) که برای این فضای جغرافیایی داشته است، مسائل و مشکلاتی را در روند توسعه‌یافتگی ممسنی خلق و بازساخت کرده است. طایفه محوری بیشترین نمود را در زندگی سیاسی انسانِ ممسنی یعنی انتخابات مجلس شورای اسلامی داشته است و صحنه انتخابات را به پیکارهای انتخاباتی نفس‌گیر و جانکاهی تبدیل کرده است که کنشگران آن، طوایف ساکن در این فضای جغرافیایی هستند. طوایف با معرفی نامزد به نیابت از زادگاه و مکان جغرافیایی خود، شروع به نقش‌آفرینی، وزن‌کشی، اثبات جایگاه خود می‌کنند و سعی در حذف رقبا از کارزار انتخابات دارند؛ ازاین‌رو اکتیویست‌هایی وارد گوی رقابت می‌شوند که چشم امیدشان برای جذب رأی در درجه نخست پشتوانه زادگاهی و طایفه‌ای آن‌هاست؛ به‌عبارتی، سیاست طایفه‌ای و حامی‌پروری محور استراتژی

1. Election

انتخاباتی، موتور پیشران و مانیفستی کامل برای پیروزی نامزدهای انتخاباتی به شمار می‌رود؛ بنابراین مشارکت مردم در انتخابات عمدتاً متأثر از حضور گروه‌ها و گرایش‌های مکانی و زادگاهی است. پُرسمان مقاله حاضر نوعِ کُنش زیستی و سیاسی رأی‌دهندگان و باشندگان ممسنی است که مبتنی بر انگاره‌های محیطی و طایفه‌ای است و نه‌تنها همسو با تشکل‌ها و طیف‌های سیاسی (اصلاح‌طلب و اصول‌گرا) نیست، بلکه به‌شدت مشارکت توده‌ای و بی دیسیپلین را فزونی بخشیده است.

۲. روش‌شناسی تحقیق

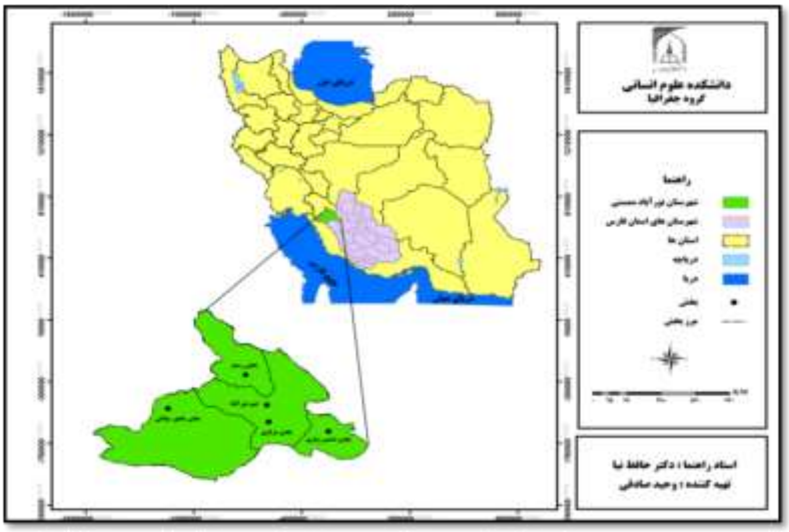
مشارکت در سپهر سیاست، نمودهای متفاوتی دارد. از میان نمودهای متنوع مشارکت سیاسی، انتخابات به‌عنوان بارزترین تجلی اراده مردمی مطالعه شده است. داده‌کاوی به‌صورت توصیفی– تحلیلی و گردآوری، کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه و مشاهده) است.

۲. ۱. منطقهٔ مورد مطالعه

شهرستان ممسنی با ۱٦۱۹۱۳ نفر جمعیت و یک حوزه انتخابیه (ممسنی) از چهار بخش مرکزی، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی تشکیل شده است.[1] هرکدام از این قلمروها و فضاهای جغرافیایی، حوزه‌های زیستگاهی طایفه‌های موجود در ممسنی هستند و نه‌تنها صرفاً مکانی جغرافیایی، بلکه به‌عنوان شخصیت و اکتیویست در سپهر سیاسی ممسنی حضور و نقش‌آفرینی دارند. مشارکت در حوزه انتخابیه ممسنی گسترده و فراگیر است، اما کیفیت و درون‌مایه‌ای کم‌مایه و عاری از معنا دارد. ضعف آگاهی/آموزش و ضعف کارکردی طیف‌های سیاسی کارآمد و فرهنگ سیاسی قومی و طایفه‌ای باعث چنین رویدادی شده است؛ رویدادی که دموکراسی رقابتی انتخاباتی را در حوزه انتخابیه ممسنی شتاب نبخشیده است.

---

۱. بخش مرکزی ۹۸۸۱٦، رستم ٤٤۳٦۱، دشمن‌زیاری ۹۳۲٦، ماهور میلاتی ۵۲۹۷ نفر جمعیت دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۱- نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنـی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

۳. مبانی نظری تحقیق

۳. ۱. جغرافیای انتخابات

جغرافیای انتخابات به تحلیل کنش متقابل فضا، مکان و فرایند انتخاباتی و بررسی اثرگذاری تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی و به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳، ص. ۲٦۳).

۳. ۲. طایفه‌گرایی

طایفه، واحدی فضایی/زیستی است که گروهی از مردم خویشاوند با علایق و فرهنگ مشترک را در خود جای داده است. طایفه‌گرایی[1]، نوعی همذات‌پنداری خونی، زبانی و فرهنگی مشترک با جغرافیای سکونت است که باعث می‌شود آن مکان و فضای جغرافیایی درون‌مایه‌ای قدسی و عاطفی به خود بگیرد و افراد و رأی‌دهندگان را در جهت حمایت از

1. Tribalism

نامزدهای انتخاباتی قلمرو زیستی خود متمایل کند. این مفهوم جغرافیاسرشت رأی‌ساز از المان‌های جوامعی است که خاستگاه تاریخی ایلی و عشیره‌ای دارند.

۳. ۳. مشارکت سیاسی

رأی دادن به معنای شرکت در هرگونه انتخابات است. ادراک محیطی برگرفته از محیط جغرافیایی باعث برانگیخته‌شدن افراد به شرکت در انتخابات می‌شود. تأثیر عامل محیطی در کنش سیاسی نشانگر اثرگذاری محیط بر رفتار انتخاباتی است.

٤. یافته‌های پژوهش

٤. ۱. بررسی ادوار انتخابات مجلس شورای اسلامی

٤. ۱. ۱. نخستین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

در این دوره هرکدام از نامزدها در منطقه زیستی و جغرافیایی خود به واسطه «شناختی» که ساکنان و رأی‌دهندگان از این بازیگران داشته‌اند، بیشترین میزان رأی را کسب کرده‌اند؛ بااین‌حال نمی‌توان گفت که پایگاه رأی این کنشگران متأثر از آرای محیطی و طایفه‌ای و صرفاً در قلمرو زادگاهی خود بوده است؛ چراکه عملاً در این دوره مردم زادگاه/ قلمرو به واسطه شناختی که دربارهٔ کاندیدای هم‌طایفه‌ای خود داشته‌اند، رأی دادند و اگر به کاندیدایی رأی نمی دادند، نه به واسطه اینکه هم‌طایفه‌ای و هم‌قلمروی نبوده است، بلکه به واسطه نبود شناخت یا ضعف شناخت بوده است؛ هرچند نمی‌توان خاستگاه رأی طیف‌های سیاسی مختلف (چپ و راست) را نادیده گرفت. با توجه به شور انقلابی حاکم بر کشور و نیز گذشت کمتر از یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی، معمولاً گرایش رأی‌دهندگان به نامزدهایی که پیشینه‌ای فرهنگی- انقلابی و مردمی داشته‌اند، پیش‌بینی‌پذیر بود. در کنار شناخت طایفه جاوید از شجاعیان، دیگر مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی نظیر قلمرو بکش، پایگاه رأی اطمینان‌بخشی برای وی به شمار می‌رفت. در کنار حوزه جغرافیایی سکونت در الگوی رأی «شجاعیان» می‌توان به عواملی همچون ویژگی‌های شخصیتی نظیر فرهنگی و عضو شورای مرکزی معلمان عشایر، مردمی و تکریم توده، تحصیلات، ساده و مینیمال‌زیست، حُسن خلق و توجه به همدردی، داشتن چهره

و ذائقه شوخ‌طبع، صراحت کلام آمیخته به ادبیات توده‌گرا، ارتباط با افراد برجسته و سنت‌گذار نظیر محمد بهمن بیگی اشاره کرد. بزرگ‌ترین راز موفقیتش این بود که همواره خودش بود، ساده، صمیمی، بی‌تکلف و شوخ‌طبع. هرگز نخواست قراردادی و ادیب‌مآب یا دارای نفوذ تحمیلی باشد؛ بلکه «رها» بود. رهایی‌اش از جنسِ خویشتن و نام نیک بود. برخی او را با صمد بهرنگی مشابه می‌دانند. خاستگاه رأی‌آوری شجاعیان از قلمروهای جغرافیایی مختلف و در اکثر فضاها، رأی لازم را اخذ کرد. صمد شجاعیان با کسب ٦٦ درصد آراء، نخستین نماینده حوزه انتخابیه ممسنی بعد از انقلاب اسلامی شد.

جدول ١- آرای نامزدها در مرحله نخست اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ١٣٥٨

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	آرای نامزدها در بخش مرکزی[1] (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم، ماهورمیلاتی، دشمن‌زیاری)
١	صمد شجاعیان	جاوید	٨٦٠٤
٢	علی انصاری	رستم	٦٧٣٦
٣	علی‌حسین کرمی‌آرخلو	ماهور میلاتی	٥٣١٦
٤	سهراب لشکری	بکش	٤٧٥٦
٥	ابراهیم سادات‌عنا	رستم	٣٣٢٥
٦	سید عبدالرسول موسوی	بکش	٢٦٢٦
٧	محمدجعفر نجفی‌علمی	غیربومی	٢١٤٠
٨	فرج جعفری بهمن‌یاری	رستم	١٨٥٩
٩	احمد عبدی‌زاده	رستم	١٧٩٦
١٠	غلام‌شاه رضایی	جاوید	١٣٦٧
١١	محمدحسین سپاهی	بکش	١١٢٦
١٢	افراز رزمجویی	دشمن‌زیاری	٩٩٦
١٣	داریوش پارسا	دشمن‌زیاری	٩٣٢
١٤	بهادر غلامی	بکش	٨٩٤
١٥	سهراب حسینی	غیربومی	٥٣٦

١. در دور اول انتخابات مجلس شورای اسلامی آراء به صورت متمرکز بر روی بخش مرکزی حساب می‌شد.

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	آرای نامزدها در بخش مرکزی[۱] (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم، ماهورمیلاتی، دشمن‌زیاری)
١٦	اکبر جمشیدی	بکش	٤٦٧
١٧	سهراب رزمجویی	دشمن‌زیاری	٢٦٩
١٨	مهدی امیری	غیر بومی	٢٦٩
١٩	هادی سادات	رستم	٧٤
٢٠	محمد حسین جعفری	بکش	٥٣

جدول ٢- میزان مشارکت در مرحله نخست اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ١٣٥٨

حوزه انتخابیه	مرحله اول انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	میزان درصد
ممسنی	٦٨٨٤٠	٤٤١٣٦	٦٤

جدول ٣- آرای نامزدها در مرحله دوم اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات وزارت کشور، ١٣٥٩

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	آرای نامزدها در بخش مرکزی
١	صمد شجاعیان	جاوید	١٨٧٦٦
٢	علی انصاری	رستم	٩٣٦٨

جدول ٤- میزان مشارکت در مرحله دوم اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات وزارت کشور، ١٣٥٩

حوزه انتخابیه	مرحله دوم انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	٦٨٨٤٠	٢٨١٧١	٤١

٤. ١. ٢. دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بارزترین شناسه این دوره، حضور کم بازیگران، خواه به لحاظ طیف‌های سیاسی و خواه بر

مبنای گرایش‌های قومی و طایفه‌ای بود. در این باره دو گزاره وجود دارد. در مقیاس کلان، انقلاب فرایند «تأسیس» را گذراند، اقدام به نهادسازی کرد و حوادث و رویدادهایی را پشت سر گذاشت؛ ازاین‌رو قواعد و چارچوبی را مطمح نظر قرار می‌دهد و به این اعتبار، فضا به تدریج به سمت انقباض و پاکسازی می‌رود. در سطح خرد (شهرستانی) الگوی رأی طایفه‌ای و قومی به واسطه شناخت نامزدها تأثیرگذار بود، اما تحولات و رویدادهایی نظیر هشت آذر به رادیکال شدن فضا و این وازدگی منجر شد. با وارد کمپین نشدن نامزدهای پروزن دور قبل و ایجاد خلأ قدرت در فضاهای جغرافیایی، زمینه برای پیشتازی دیگر داوطلبان به‌خصوص سید عبدالرسول موسوی، کاندیدای نفر ششم، فراهم شد. تصویری که از موسوی به دست داده می‌شد، آغشته بود به سانتیمانتالیزم شور انقلابی و تبلور گفتمانی جدید با عنوان «معنویت سیاسی». از طرفی صمد شجاعیان، نماینده وقت ممسنی، قصد داوطلبی در این دوره از انتخابات را نداشت، اما با درخواست جمع کثیری از مردم و متنفذین وارد صحنه شد[1]. با ورود مجدد شجاعیان به تورنمنت و حضور از قبل مشخص‌شدهٔ عبدالرسول موسوی و پاک‌سازی فضا و فیلترشدن کارزار انتخابات، شکاف سیاسی بین این دو بازیگر پدیدار شد. موسوی که خاستگاهی نظامی و مکتبی داشت و از خانواده‌ای به‌شدت دینی/مذهبی بود، مبانی نظری مشخصی داشت. او در مقابل صمد شجاعیان که پایگاهی فرهنگی/ایلی داشت و از خانواده‌ای فلاحت‌پیشه و زارع (عرفی) برخاسته بود، قرار گرفت و به نوعی یکی نماینده مراکز قدرت و عمده مالک (برزگردار) و دیگری نماینده قشر مردم و خرده مالک (برزگر) بود. بازیگران، سیمایی مبارز و انقلابی داشتند، ولی از دو جنس متفاوت. مبانی نظری موسوی از جنس فقهی/شیعی و شالوده فکری شجاعیان از جنس اجتماعی. شجاعیان به‌عنوان یک فرد فرهنگی برآمده از مدارس عشایری که زیر فشار ساختار اجتماعی ایلی بزرگ شده بود، ناگهان وارد جامعه و چپ‌گرا می‌شود. چپ‌گرایی وی فلسفی و نظری نیست؛ بلکه نوعاً اجتماعی به شمار

---

۱. در آن ایام شکاف گودی بین نماینده وقت و سازمان سیاسی و اداری ممسنی وجود داشت؛ به‌طوری‌که قدرت در ممسنی عملاً در حیطه موسوی و یارانش بود و نماینده، نفوذ درخوری در حوزه انتخابیه نداشت. مخالفان شجاعیان مدیریت اجرایی شهرستان و استان را در دست داشتند و در کارهای شجاعیان کارشکنی می‌شد تا کارآمدی وی زیر سؤال رود. در این رابطه گفته شده است که شجاعیان، نماینده ممسنی از اُوگرو (چشمه آب گرم ممسنی) به آن طرف است و از چنارشیجون (شهرستان قائمیه) تا ممسنی، قدرت از آن موسوی و پیروانش است.

می‌رود. شجاعیان، معلمِ در چارچوبی بود که سیستم سیاسی را قبول داشت، اما با اپوزسیون (هشت آذر) در ارتباط بود و جریان غیرانقلابی را پشت سر خود داشت و در طرف مقابل جریان انقلابی پشتیبانِ موسوی بود؛ ازاین‌رو عملاً حوزه انتخابیه ممسنی به‌صورت دو باند «باند موسوی/باند صمدی» درآمد. دوئل موسوی و صمدی، درواقع دوقطبی بکش و جاوید نبود؛ بلکه تقابل دو چهره «انقلابی و مبارز» و رویارویی دو گفتمان «انقلابی و غیرانقلابی» بود. در این آوردگاه با توجه به عملکرد و تجربه شجاعیان طی دوران نمایندگی و پیشینهٔ سیاسی، ارتباط و یک‌رنگی با مردم و محبوبیت بین بدنه سنگینی از جامعه و رویدادهایی نظیر هشت آذر، آشکار بود که رقیب راست افراطی وی، قدرت رقابت با او را ندارد و از مجموع ٥٧٠٧٩ رأی مأخوذه، صمد شجاعیان با کسب ٥٩ درصد آراء، پیروز انتخابات شد (قاسمی، ١٣٩٩؛ صادقی، ١٣٩٣، ص. ٧١). برخی پیشتازی شجاعیان بر موسوی را پیروزی آشکار و بسیار مهم دانستند و اذعان داشتند که این یک نبرد سیاسی بود؛ نبرد سیاسی علیه راست افراطی. جدای از داوری درباره عملکرد شجاعیان در حوزه انتخابیه خود، پیروزی این بازیگر آن هم دو دوره متوالی، در خودباوری، پیشرفت و شهری شدن مردم قلمرو جاوید تأثیر بسزایی داشت. تجزیه و تحلیل ترکیب رأی‌دهندگان نشان می‌دهد، در کنار رأی محلی/طایفه‌ای، هریک از این نامزدها به واسطه آشنابودن در بین خویشاوندان خود (نه به‌دلیل تعصب داشتن)، ساکنان و رأی‌دهندگان سایر حوزه‌ها و مکان‌ها فارغ از هم‌محله‌ای بودن و عصبیت خویشاندی به این نامزدها رأی دادند.

جدول ٥- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ١٣٦٣

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم، دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی[1] (زیستگاه طایفهٔ ماهور میلاتی)	آرای نامزدها
١	صمد شجاعیان	جاوید	٣٠٧٥٢	٣١٣٢	٣٣٨٨٤
٢	سید عبدالرسول موسوی	بکش	٢٠٤٢٩	٢٠٦٢	٢٢٤٩١
٣	میرزا بزرگ طباطبائی	بکش	٢٢٤	٣٧	٢٦١

١. در این دوره محدودهٔ جغرافیایی طایفهٔ ماهور میلاتی از بخش مرکزی انتزاع و به بخش ماهور میلاتی ارتقاء یافت.

جدول ٦- میزان مشارکت در دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ١٣٦٣

حوزه انتخابیه	دوره دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	٧٠٩٦٩	٥٧٠٧٩	٨٠

٤. ١. ٣. سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

در این دوره نیز مانند دوره قبل هیچ‌کدام از بازیگران پیروزن دوره اول و به‌ویژه صمد شجاعیان، نماینده دو دوره حوزه انتخابیه ممسنی پا به عرصه انتخابات نگذاشتند. از پسِ پرده نگاه کردن به نظر می‌رسد نقش‌آفرینی و در کورس بودن سید عبدالرسول موسوی، ایدئولوژیک‌ترین انسانِ ممسنی و نامزد چندین دوره انتخابات و هول این بازیگر بر پیروزی در مبارزات انتخاباتی از دلایل عمده این بایکوت سیاسی بوده است. موسوی تنها بازمانده ادوار اول و دوم بود که در این عرصه حضور داشت. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با همکاری سایر انقلابیون نهادسازی را شروع کرد و ارگان‌هایی چون سپاه، کمیته، سازمان تبلیغات و از این دست را بنیاد نهاد. او سکاندار سپاه و جریان ٨ آذر ١٣٥٩ که به جان باختن تعدادی منجر شد و از تاریک‌ترین رویدادهای دوران مسئولیت وی در سپاه پاسداران در آن سال‌ها به شمار می‌رود. این روحانی پرنفوذ شیعی که هدایت جریان سیاسی خاصی (رادیکال) را در دست داشت، برخوردار از جَدی سادات و از خانواده‌ای نسبتاً شامخ در بین مردم بکش بود. او در این دوره با ابرام بیشتری وارد صحنه شد؛ گویی تار و پود موسوی را پیروزی در انتخابات و نشستن بر کرسی مجلس شکل داده بود. موسوی که هشت سال از عمر دراز خود را برای چنین روزهایی گذرانده بود و از جغرافیایی (آبادی سید کاظم، توتستان) برخاسته بود که نامی بلند و پلاک انقلابی/ایدئولوژیک را با خود یدک می‌کشید، توانست در این دوره نسبت به ادوار قبل خوش‌تر نمایان شود و به‌عنوان رقیبی سرسخت و کهنه برای دیگر کوشندگان سیاسی ظاهر شود. یکی از مدعیان، غلام‌رضا شهریور بود که نامزد هم‌طایفه‌ای موسوی و نماینده بخشی از بدنه رأی‌دهنده بکش بود. شهریور آن ایام به واسطه منصبی (مدیر کل) که در استان داشت، در ساختار قدرت نفوذ داشت. این بازیگر به رغم اینکه نخستین بار بود پا به

صحنه انتخابات گذاشته بود، توانست جایگاه خـوبی (دوم) را در بـین رقبـا کسـب کنـد، امـا فضای اجتماعی آن زمان که درهم‌تنیده با مستضعف‌گرایی و پابرهنگی بود و مردم با نامزدهای ساده و هم‌جنس خود همـذات‌پنـداری مـی‌کردنـد، رخصـت پـذیرش شـهریور را کـه پلـاکِ کاندیدای ثروتمند، تکنوکرات و لیبرال را با خود یدک می‌کشید، نمی‌داد. دیگـر نـامزد رقیـب موسوی، کاندیدایی جوان و خوش‌فکر به نام هیبت‌اله رضایی بود. رضایی هرچنـد کاندیـدای منطقه دشمن‌زیاری محسوب می‌شد، بخشی از بدنه رأی خود را مرهون رویکردهـا و اندیشـه های پرسشگر و منتقدانه خود می‌دانست. رهیافت‌ها و ادبیات نـو و بـی‌بـدیل ایـن بـازیگر در سخنرانی‌ها و تبلیغات، گروهی از رأی‌دهندگان نخبه و اندیشه‌ای را به خود جلب کـرده بـود؛ نامزدی که نظم را به هم ریخته بود و طرحی نو در انداخته بود. این نگـاه انتقـادی و حرکـت خلاف جریان شاید از دلایل علاقه بسیاری از رأی‌دهندگان به وی بود. به لحاظ اندیشه و طیف سیاسی، نه‌تنها رضایی و موسـوی بـا همـدیگر سـنخیت نداشـتند، بلکـه نقطـه مقابـل هـم و درضدیت با یکدیگر نیز قرار داشتند؛ بااین‌حال، رضایی و شهریور قدرت رقابت با موسوی را نداشتند که برای مدت طولانی نشستن بر کرسی مجلس جُستنی‌ترین هدف بـرای وی شـمرده می‌شد. به رغم دل‌چرکینی‌ها و ناراحتی‌هایی که از موسوی به‌دلیـل تحرکـات رادیکـال وی در آن دوران بین مردم (به‌ویژه مردم بکش) وجود داشـت، در ایـن دوره بعـد از گذشـت هشـت سال، حساسیت‌ها کمتر شد و ناراحتی‌ها تقریباً به ورطه فراموشی سپرده شـد و مـردم بـا ایـن بازیگر به‌نوعی آشتی جغرافیایی و فرهنگی کردند. و ازآنجاکه سومین‌بار بود ورود کرده بـود و مُصر بود که حتماً پیروز انتخابات شود، بزرگان و افراد قدرتمند این منطقه تصمیم گرفتند کـه با حمایت از وی، آن را روانه مجلس (تهران) کنند (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۷۳)؛ به دیگر سخن، ازآنجاکه فضای طایفه‌ای به آن صورت حاکم نبود، تقریباً اجماع نانوشـته‌ای روی موسـوی در تمامی طوایف صورت گرفت و موسوی در همان مرحلـه اول بـه مجلـس راه یافـت (امینـی، ۱۳۹۰، ص. ۵). با این رهیافت به نظر می‌رسـد، تـک‌تـک اجـزای انتخابـات اعـم از مـردم و ساختارهای قدرت و غیره با هم همیـاری و بـرهم‌کـنش (تعامـل) داشـتند تـا زمینـه پیـروزی موسوی و روانه کردن او را به پایتخت فراهم سازند. شاید بتوان گفـت تـا ایـن دوره، مفهـوم سینرژی/ هم‌افزایی در انتخابات ممسنی سابقه نداشته است؛ به گونه‌ای که با توجـه بـه میـزان

رأی هنگفتی که موسوی بعد از سال‌ها فعالیت و بی‌خوابی دشت کرد، می‌توان روایی و پایایی این گزاره را که موسوی برآیند فشار جمعی تک‌تک نیروها و افراد بود (سینرژی)، تأیید کرد. گفته شده است که موسوی در یکی از سخنرانی‌هایش اذعان داشته: «مردم من به گردن شما هستم. به من رأی دهید تا از شر شما خلاص شوم.» در این دوره، اکثر نامزدها در زادگاه خود بیشترین آراء را اخذ کردند، اما با نگاهی به آرای دیگر داوطلبان (موسوی، شهریور، رضایی) در مناطق جغرافیایی مختلف، به نظر می‌رسد با توجه به آرایی که آن‌ها اخذ کرده‌اند، وابستگی های مکانی/طایفه‌ای چندان در الگوی رأی نامزدها اثرگذار نبوده است. بدین ترتیب برای اولین بار یک روحانی در حوزه انتخابیه ممسنی، با کسب ۵۲ درصد آراء، با فاصله زیاد رقبا را شکست داد و به کُرسی مجلس رسید. طی این سه دوره انتخابات، فضای «گفت‌وگو/مذاکره»[1] بر فرایند انتخابات ممسنی حاکم بود.

جدول ۷- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ١٣٦٧

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید، رستم و دشمن‌زیاری[2])	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفهٔ ماهور میلاتی)	آرای نامزدها
١	سید عبدالرسول موسوی	بکش	٣٣٠٤٤	٥٣٧٠	٣٨٤١٤
٢	غلامرضا شهریور	بکش	٩٣٣٥	١١١٤	١٠٤٤٩
٣	هیبت‌اله رضایی	دشمن‌زیاری	٨٢٠١	٢٤٠	٨٤٤١
٤	رضاقلی الهیاری	رستم	٤٣٧٨	٣٩	٤٤١٧
٥	قدرت‌اله گشتاسبی	بکش	٣٤٦١	٢٩٠	٣٧٥١
٦	نصیر نیک‌نژاد	رستم	٣٢٢٣	٥١	٣٢٧٤
٧	محمد عباسی	دشمن‌زیاری	١٩٢٦	٢	١٩٢٨
٨	احمد ارجمند	بکش	١٢٦١	١١	١٢٧٢

1. Negotation

۲. قلمرو جغرافیایی طوایفِ رستم و دشمن‌زیاری تا این دوره هنوز جدا از بخش مرکزی نشده بود و آراء آن به صورن متمرکز بر روی بخش مرکزی حساب می‌شد.

جدول ۸- میزان مشارکت در سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: نگهداری، ۱۳۹۰، ص. ٦

حوزه انتخابیه	دوره سوم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	میزان درصد
ممسنی	۸۲۰۸۰	۷۲٦۲۲	۸۸

٤. ١. ٤. چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

چهارمین دوره انتخابات تحت‌تأثیر توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی انجام شد. قلمروهای جاوید و ماهور میلاتی نامزدی در انتخابات نداشتند و ستاره و نقش اول ژانر سیاسی منطقه دشمن‌زیاری و رستم یعنی هیبت‌اله رضایی و سید اعظم هاشمی رد صلاحیت شدند که این مهم، فروزندگی رقابت‌های انتخاباتی را تا حد زیادی کاهش داد. موسوی که با تلاش فراوان و به شرط هجرت کردن به تهران و برنگشتن، توانسته بود کرسی مجلس را از آن خود کند، در این دوره دوباره نامزد انتخابات شد و طبق شواهد، آرای پروزن اما ناکافی را کسب کرد. ضعف عملکردی دوران نمایندگی، تقابل با دولت وقت و پلاک چپ خوردن، انسداد سیاسی و ممانعت ساختاری و برنامه‌ریزی‌شده هسته گزینش آموزش و پرورش و از این دست در ضعف مقبولیت و پسندیدگی موسوی که تا آن زمان قطب‌نمای قدرت بود، اثرگذار ظاهر شد. همچنین تکثر داوطلب و حضور کاندیدای نسبتاً پروزن همچون شهریور و عبدی‌پور، بر ناکامی وی در مرحله اول انتخابات اثرگذار بود. شهریور که در دورهٔ قبل حضور داشت، در این دوره هم نتوانست خوش بدرخشد. عمدتاً آرای زادگاهی و تیره‌ای خود را کسب کرد. عبدی‌پور زادهٔ خاک ممسنی نبود؛ بلکه نامزد غیربومی بود و اصالتی باشتی (گچساران) داشت. وی توسط موسوی با معرفی به وزیر کشور وقت، محتشمی‌پور، فرماندار ممسنی شد. طی دوران فرمانداری از خود کارگزاری عدالت‌خواه، مردم‌دار/خان‌ستیز و عملگرا نشان داد؛ همین امر محبوبیت وی را در بین بخشی از مناطق محروم افزایش داد. فرماندار عبدی‌پور، طی دوران نمایندگی موسوی اقدام به داوطلبی در انتخابات کرد. موسوی از این نقش‌آفرینی سیاسی نگران شد و به رایزنی با این بازیگر تصمیم گرفت. ناکامی در توجیه

عبدی‌پور مبنی بر کناره‌گیری در کارزار، سقوط بخشی از مناطق جغرافیای رأی (به‌ویژه منطقه ترک‌تبار ماهور میلاتی) موسوی را در پی داشت. این شخصیت سیاسی از جایگاه بالایی در میان ادارات و مقامات محلی برخوردار بود و توانسته رأی آن‌ها را که می‌توانست به سود موسوی به صندوق افکنده شود، برای خود جلب کند و عاقبت شکست موسوی را هموارتر کند. موسوی در رابطه با این قضیه چنین تمثیلی را به کار برد: «ما تخم گذاشتیم زیر پای مرغ که جوجه شود، ولی بوقلمون از آب درآمد.»[۱] از طرفی خوش‌مشربی، ادبیات موزون، با دیسیپلین و تواضع شخصیتی/اجتماعی الهیاری و پایگاه فرهنگی این بازیگر در بدنه آموزش و پرورش در تطابق با پایگاه نظامی موسوی، خوش‌اقبال‌تر شد و بر عمق رأی وی اثرگذارتر بود. الهیاری که در دورهٔ قبل از خود چهره نسبتاً شناخته‌شده به نمایش گذاشت، این دوره نماینده معترضان به عملکرد موسوی به شمار می‌رفت؛ ازاین‌رو در تقابل با موسوی، نماینده وقت، قرار گرفت (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ٧٦). فوت آیت‌الله خمینی و تغییر فضای سیاسی کشور به نفع طیف سیاسی محافظه‌کار و خلق این انگاره در افکار عمومی که موسوی نامزد جریان حاکم و جزو چپ‌های حکومت است و الهیاری نامزد جغرافیای قدرت نیست، بلکه کاندیدای جریانات رد صلاحیت‌شده‌ای چون سید اعظم هاشمی، هیبت‌اله رضایی و جریان‌هایی است که حاکمیت حضور آن‌ها را در صحنه انتخابات برنتابیده است، در ضدیت فضا علیه موسوی اثرگذار بود. از طرفی موسوی در کسوت روحانیت نتوانسته بود آن‌طور که شایسته است، مقبولیت اجتماعی درخوری در شهرستان به نمایش بگذارد؛ ازاین‌رو کنشگری ها و تحرکات بازیگران و گروه‌های مرجع/ذی‌نفوذ و رد صلاحیت رضایی و هاشمی و جمع شدن نیروها و طرفدارانشان حول محوریت تقابل با موسوی و طرفداری از الهیاری که حمایت جریان روشنفکری محلی را پشت سر خود داشت، باعث شد عمده رأی‌دهندگان فضای جغرافیایی جاوید و دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی به سمت ستاد الهیاری روی آورند و

۱. در همین زمینه یکی از نامزدهای این دوره خطاب به نامزدهای غیربومی گفته: «ممسنی ویرانه‌ای نیست که هر جُغدی بر بامش پرواز کند».

این مهم در توفیق الهیاری تأثیر درخور توجهی داشت (امینی، ۱۳۹۰، ص. ۵؛ رضایی، ۱۳۹۳، ص. ۲۱).

از مجموع ٧٤٧٤١ آرای مأخوذه، رضاقلی الهیاری با اخذ ٤١٦١٥ رأی (۵۵درصد) به مجلس راه یافت. در این دوره نمایندهای از حوزه انتخابیه ممسنی به مجلس راه یافت که تا حد زیادی همسو با گفتمان حاکم بر کشور پیش میرفت. این بازیگر بیشترین میزان رأی خود را در طایفه رستم که قلمرو زادگاهی/ طایفهای وی به شمار میرفت، اخذ کرد. در کنار الگوی رأی طایفهای، آرای سلبی الهیاری به معنای «نه» به موسوی، قویترین پایگاه رأی این فعال سیاسی را تشکیل داده است. ممسنی بیش از یک دهه با چالش راست افراطی در عرصه سیاسی و بلوک قدرت مواجه بوده است؛ ازاینرو رأیدهندگان پایین نگهداشتن رأی موسوی را وظیفه مدنی خود میدانستند و پیروزی الهیاری با واکنش مثبت نیروهای سیاسی و اجتماعی معتدل و مدافعان دموکراسی در ممسنی مواجه شد.

اقدامات و تحرکات بازیگران سیاسی در این دوره، هویت و کارکرد فضاهای جغرافیایی را از حالت طبیعی/زیستگاهی به سیاسی/قلمروی تغییر ماهیت داد و به دنبال آن دگردیسی کنش رأیدهی را به همراه داشت؛ یعنی اگر تا این دوره مردم بهواسطه شناختی که از نامزد قلمرو جغرافیایی خود داشتند به سوی آن روی میآوردند، در این دوره جدای از بحث شناخت یا بیمعرفتی، به هر روی، خواهان طرفداری و رأی به او شدند.

جدول ۹- آرای نامزدها به تفکیک بخشها در مرحله نخست چهارمین دوره انتخابات مجلس شورایاسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۱

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید و رستم[1])	بخش دشمنزیاری (زیستگاه طایفهٔ دشمن زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفهٔ ماهور میلاتی)	آرای نامزدها
۱	سید عبدالرسول موسوی	بکش	١٣٦٣٤	٣٢٩٨	١٧٥٨	١٨٦٩٠
۲	رضاقلی الهیاری	رستم	١٢٩٩٤	١٢٤١	٢٠٦	١٤٤٢١

۱. قلمرو جغرافیایی طایفهٔ رستم تا این دوره هنوز جدا از بخش مرکزی نشده بود و آراء آن به صورت متمرکز بر بخش مرکزی حساب میشد.

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش، جاوید و رستم[1])	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفهٔ دشمن زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفهٔ ماهور میلاتی)	آرای نامزدها
۳	غلامرضا شهریور	بکش	۱۰۶۲۱	۱۳۲۱	۱۶۷۰	۱۳۶۱۲
٤	رهام عبدی‌پور	غیربومی	٤۸۸٦	۵۷۹	٤۳۰۷	۹۷۷۲
۵	فریبرز انصاری	رستم	۸۷۷۸	۵۵	۲٤۲	۹۰۷۵
٦	خسرو گودرزی	رستم	۵۵۸۰	۵٦	۵٦	۵٦۹۲
۷	سید شهاب موسوی	دشمن‌زیاری	۲۵۱	۲۳۷۸	۳۵	۲٦٦٤
۸	جهانشیر لشکری	بکش	۲۵۲۷	۳۰	۱۰۰	۲٦۵۷
۹	محمدحسن حسینی‌فر	بکش	۳۱۲	۰	۲	۳۱٤

جدول ۱۰- میزان مشارکت در مرحله نخست چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۱

حوزه انتخابیه	دور چهارم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	۹۱۸۷۹	۷۷۳۸۰	۸٤

جدول ۱۱- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۱

ردیف	نامزدها	طایفه	بخش مرکزی	بخش دشمن-زیاری	بخش ماهورمیلاتی	آرای نامزدها
۱	رضاقلی الهیاری	رستم	۳۵۵۰۹	٤۲۳۵	۱۸۷۱	٤۱٦۱۵
۲	سید عبدالرسول موسوی	بکش	۲۵۵٤۱	٤۷۳٦	۲٤۸۵	۳۲۷٦۲

جدول ۱۲- میزان مشارکت در مرحله دوم چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷۱

حوزه انتخابیه	دور چهارم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	میزان درصد
ممسنی	۹۱۸۷۹	۷٤۷٤۱	۸۱

٤. ١. ٥. پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

این انتخابات با انتخابات دورهٔ قبل متفاوت بود و دوران سازندگی سال آخر خود را پشت سر می‌گذاشت. الهیاری که در کنار توانمندی‌های خود و خوش‌اقبالی‌هایی نظیر گزاره «نه به موسوی»، بر کرسی مجلس نشست و نیز طی دوران نمایندگی در موضوع حمل و نقل عمومی و شخصی (مینی‌بوس و نیسان)، تجهیزات و ادوات باغبانی و مکانیزاسیون کشاورزی نظیر تراکتور، کمباین، قطعات یدکی و از این دست و اصلاح ساختار و تعویض نیروی هسته گزینش ممسنی شناخته شده بود، در این دوره با ناخرسندی اجتماعی و ریزش سنگین پایگاه آراء روبه‌رو شد. به موازات ضعف مقبولیت الهیاری، رقیب طایفه‌ای و فرهنگی او یعنی فریبرز انصاری که در دورهٔ قبل، نقش‌آفرین بود و توانسته بود از خود بازیگری کاردان، پاک و راستگو در بین اذهان عمومی خلق کند، وارد گوی رقابت شد. در رأی‌آوری انصاری ابتدا باید دلایل ضعف رأی‌آوری سایر داوطلبان را در نظر گرفت. با اجماع بر الهیاری و نه به موسوی در دوره چهارم، موسوی گوی رقابت را وا نهاد و رئیس ستاد انتخاباتی خود یعنی امینی را معرفی کرد و وارد گود سیاست کرد. امینی تا این ایام جزو سمپات‌ها و مشاوران نزدیک موسوی و به لحاظ تیپولوژی اندیشه‌ای همسو با وی بود و مشروعیت خود را از این روحانی می‌گرفت. با توجه به این مشروعیت‌پذیری و جایگاه سیاسی در ستاد انتخاباتی و وثوق بین نیروهای سیاسی/مذهبی، امینی به‌عنوان میراث‌دار موسوی توانست جایگزین موسوی شود و پایگاه رأی این بازیگر را از آن خود کند. وجود سه بازیگر نسبتاً پرقدرت در قلمرو بکش یعنی کشاورز، بهزادفر و چوبینه، به‌ویژه خداکرم کشاورز که هویتی دشمن‌زیاری داشت و بزرگ‌شده و خویشاوند ساکنان بخش مرکزی (بکش) بود و سال‌ها سکاندار آموزش و پروش ممسنی و مقبول در بدنه فرهنگیان بود، جذب آراء و انسجام ژئوپلیتیک طایفه‌ای را برای امینی پیچیده و سخت کرد. در صورت در صحنه نبودن کشاورز و موسوی، سبد رأی امینی در بین ساکنان طایفه بکش و دشمن‌زیاری به مراتب بیشتر بود؛ چراکه این بازیگر (کشاورز) بخش وسیعی از آرای بکش را که طبق الگوی رأی طایفه‌ای به امینی متعلق بود، کسب کرد؛ همچنین میزان زیادی از آرای دشمن‌زیاری را –با توجه به پیوند و ارتباط ژرفی که امینی با ساکنان این منطقه برقرار کرده بود و توانست به سود امینی در صندوق ریخته شود، اخذ کرد. وجود امراله

زندی در مقام بازیگری تکنوکرات و سه‌زبانه یعنی ترکی قشقایی، لری زاگرسی و انگلیسی‌زبان، با پایگاه اقتصادی بالا و از بدنه شرکت نفت، که هم در طایفه ترک‌تبار خود یعنی ماهور میلاتی و هم در بخش مرکزی نفوذ و سیمایی آشنا برای رأی‌دهندگان داشت، بر ناکامی امینی بی‌تأثیر نبود.

قائدی از خانواده‌ای سرشناس/فرهنگی بود و سال‌ها در آموزش و پرورش ممسنی فعالیت داشت. او مدیر دبیرستان ایزدی بود و در بین اقوام و طایفه خود چهره‌ای نام‌آشنا و برجسته داشت. این بازیگر، منش و خصلت اجتماعی مردمی و عامه‌پسند و زبان و فُرمی ساده و بی-آلایش داشت، اما در پیکارهای انتخاباتی، شخصیت کاریزماتیک، جدیت در فرم و زبان بدن، نفوذ و منزلت اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار بود که قائدی تمام سطوح این شناسه‌ها را نداشت. قائدی در کسب فرصت‌های اقتدار، تأمین مقبولیت و تنظیم رابطهٔ خود با مردم و هیئت اجرایی/اداری شهرستان نتوانست به‌خوبی عمل کند؛ چون در رقابت‌های انتخاباتی نیز زبان و لحن به‌کاررفته در سخنرانی‌ها و الگوهای تعاملی با رأی‌دهندگان از سوی کاندیدا بسیار اهمیت داشته و بر رأی‌آوری آن‌ها تأثیر بسیار دارد. به‌طورکلی، ضعف گفتمانی و مهارت کلامی، ضعف در تبلیغات و ارتباط گرم و همه‌جانبه با مسئولان اجرایی و مراکز قدرت، ضعف در کنشگری و یارگیری برای جذب آرای شناور/مردد و خاکستری، ضعف در اتحاد و انسجام درون‌طایفه‌ای و انفعال روابط اجتماعی، ازجمله استدلال‌هایی است که می‌توان برای ناکامی این نامزد که در یک‌قدمی ورود به پارلمان بود، برشمرد. سایر بازیگران وزن سنگینی برای نقش‌آفرینی در کارزار انتخابات نداشتند.

با توجه به وفور نامزدها و پراکنش آراء در فضای جغرافیایی، هیچ‌کدام از داوطلبان حائز اکثریت آراء نشدند و کارزار بین دو نامزد کورس انتخاباتی یعنی فریبرز انصاری و منوچهر قائدی به بیشترین حد خود رسید. در مرحله دوم، هریک از این نامزدها در بین خویشاوندان و طوایف خود بیشترین رأی را اخذ کردند؛ بنابراین پیروز میدان را مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی مشخص می‌کرد که به این دو منتسب نبود. فضای جغرافیایی دشمن‌زیاری برای هر دوی این نامزدها خاطره‌انگیز و خوش‌اقبال بود؛ چراکه تقریباً رأی هم‌وزنی را دشت کردند. قلمرو کوچ‌روی ماهور میلاتی برای فریبرز انصاری خوش‌تر ظاهر شد؛ اما در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که رأی این دو در قلمرو یکدیگر چگونه

بوده است؟ باید اذعان داشت که فضای جغرافیایی هر دو بازیگر عمدتاً به کاندیدای خودی طرفداری کرده‌اند، ولی در هر فضایی شماری هستند که کُنشی قومی/طایفه‌ای ندارند و فراتر از قوم و طایفه عمل و رفتار می‌کنند. به نظر می‌رسد با توجه به ریشه‌های خویشاوندی و پیوندهای خونی که قائدی در بخشی از طایفه رستم داشت، این امر باعث شد تا شماری به وی رأی دهند، ولی رأیی را که انصاری در قلمرو قائدی (جاوید) کسب کرد، به‌مراتب بیشتر از رأی وی در منطقه رستم بود که همین امر تأثیر مهمی بر کامیاب شدن وی داشت. فضای جغرافیایی بخش مرکزی زیستگاه دو طایفه جاوید و بکش است. در این مرحله هم جاویدی‌ها به‌صورت یکپارچه از کاندیدای هم‌طایفه ای یعنی قائدی حمایت کردند و در اینجا فقط کنش ساکنان بکش تعیین‌کننده بود. به نظر می‌رسد، باشندگان و رأی‌دهندگان بکش، «کنش تاریخی جاویدی‌ها» در دوره قبل در جهت حمایت از کاندیدای طایفه رستم یعنی الهیاری و علیه موسوی را از یاد نبردند و با انسجام و اجماع درونی، رأی خود را برای زهر چشم گرفتن از جاویدی‌ها به نفع انصاری به صندوق ریختند و درنهایت، این «کنش تاریخی بکش‌ها» بود که سرنوشت انتخابات را رقم زد. سوای از این طبق دیده‌ها و شنیده‌ها، حضور شماری از اقوام و خویشاوندان انصاری ساکن در باشت، گچساران و یاسوج به حوزه انتخابیه ممسنی برای حمایت از این بازیگر در پیروزی انصاری بی‌تأثیر نبوده است. سرانجام از مجموع ۸۸٦۲۷ آرای مأخوذه، فریبرز انصاری با کسب ۵۲ درصد آراء پیروز انتخابات شد. هویت جغرافیایی و طایفه‌ای که در دوره قبل درعمل بنیان نهاده شد، در این دوره با آهنگی سریع گسترش یافت و پرتو آن سراسر جغرافیای ممسنی را پوشاند؛ ازاین‌رو، فضای انتخابات از حالت گفت‌وگو/مذاکره به «بحث/مباحثه»[1] کشانده شد و انتخابات «هویت‌محور» و «اتحادشکن» در متن جامعه ممسنی انداخته شد.

1. Debate

جدول ۱۳- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله نخست پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷٤

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفهٔ رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفهٔ دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفهٔ ماهور-میلاتی)	جمع آراء
۱	فریبرز انصاری	رستم	٤۳٤٤	۱۳٦٦۱	۱۰٦۰	۹۵۳	۲۰۰۱۸
۲	منوچهر قائدی	جاوید	۱۵۳۳۵	۱٤۱۷	۱۰۲۲	۲٤٦	۱۸۰۲۰
۳	سید ابراهیم امینی	بکش	۱۲۱۳۲	۱۹٦۷	۲۱۷۸	۵٤۰	۱٦۸۱۷
٤	رضاقلی الهیاری	رستم	۳٤۲۹	٦۰۳٦	۷٤۷	۱۰۳	۱۰۳۱۵
۵	خداکرم کشاورز	بکش	٦۷٦۱	۳۱۳	۲۲٤۷	۱۱۳	۹٤۳٤
٦	امراله زندی	ماهورمیلاتی	٤۱۸٤	۷۱	٦	۵۰۰۰	۹۲٦۱
۷	محمد طاهر موسوی	دشمن‌زیاری	٤۵۱	۲٤	۵۵۸۱	۱۹	٦۰۷۵
۸	اصغر بهزادفر	بکش	۳۲۹۹	۱۱۰۳	۱۳۸	۱۳۷	٤۵٤۰
۹	علی چوبینه	بکش	۱۱۱۷	۲۰۷	۸۸	۱۰	۱٤۲۲
۱۰	کرامت‌اله نگین‌تاجی	رستم	۱۸٤	۹۰۱	۳	۱۲	۱۱۰۰

جدول ۱٤- میزان مشارکت در مرحله نخست پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷٤

حوزه انتخابیه	دوره پنجم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	میزان درصد
ممسنی	۱۰۳۱۹۸	۹۷۰۰۲	۹٤

جدول ۱۵- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷٤

ردیف	نامزدها	طایفه	بخش مرکزی	بخش رستم	بخش دشمن‌زیاری	بخش ماهورمیلاتی	جمع آراء
۱	فریبرز انصاری	رستم	۱٦٦۰۹	۲۲٦۰۲	۵۰٦٤	۲۱٤٦	٤٦٤۲۱
۲	منوچهر قائدی	جاوید	۲۸۲٤۰	۵۸۰۸	٤٦۵۱	۳۵۰۷	٤۲۲۰٦

جدول ۱٦- میزان مشارکت در مرحله دوم پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۷٤

حوزه انتخابیه	دوره پنجم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	۱۰۳۱۹۸	۸۸٦۲۷	۸٦

٤. ۱. ٦. ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ششمین دوره که اصلاح‌طلبان (جبهه دوم خرداد) اکثریت مجلس را در اختیار داشتند، توسعه سیاسی در داخل و تنش‌زدایی در سیاست خارجی را در دستور کار خود قرار دادند. نماینده وقت ممسنی یعنی فریبرز انصاری و همتای جاویدی وی یعنی منوچهر قائدی وارد گوی رقابت نشدند؛ این امر رویدادی نادر در تاریخ سیاسی/انتخاباتی ممسنی شمرده می‌شود؛ ازاین‌رو، زمینه برای دیگر سیاسیون فراهم شد. امینی چه به لحاظ مواضع، چه سبک گفتار و چه قابلیت‌های سیاست‌ورزی و شگردهای انتخاباتی مزیت خاصی داشت که بتواند یخ موجود در فضای انتخاباتی را در طیف معترض و خاکستری جامعه بشکند. این بازیگر در دوره قبل به‌رغم تحرکات زیاد با بدبیاری‌هایی روبه‌رو شد. از یک سو با گفتمان سازندگی همسو نبود و از سوی دیگر، حضور بازیگران متعدد پیروزی را برای وی سخت کرد، اما در این دوره هم با گفتمان حاکم یعنی مباحث تحول‌گرایانه، جامعه مدنی و آزادی بیان یک‌جهت بود و هم دیگر نامزدهای پروزن طایفه بکش یعنی کشاورز، بهزادفر و چوبینه در کارزار حضور نداشتند که بخشی از آرای این قلمرو را که می‌توانست به نفع امینی به صندوق ریخته شود، از آن خود کنند؛ ازاین‌رو فضای جغرافیایی بکش، به‌طور یکدست، شتابی فشرده و متراکم به خود گرفت؛ به‌نحوی‌که به نقش‌آفرینی امینی در جبهه خودی (طایفه‌ای) نیاز نبود. دشمن‌زیاری ازجمله سکونتگاهی است که امینی عملکرد و مناسبات خوب و سازنده‌ای با این فضای جغرافیایی برقرار کرد و همواره عمق ژئوپلیتیک گسترده‌ای در این فضا برای اخذ رأی داشت، اما در این دوره، دشمن‌زیاری در قامت جغرافیایی پویا و حق‌طلب سربرآورد و از سکونتگاهی ایستا و اقتصادی به زیستگاهی پویا و کنشگر (سیاسی) متحول شد. به‌واقع، دشمن‌زیاری‌ها طی ادوار انتخابات کنشگری حداکثری داشتند، اما ادوار سوم و ششم برای آن‌ها نقطه عطف و موضوعی

حیثیتی محسوب می‌شد. دور سوم با معرفی هیبت‌اله رضایی، دانش‌آموخته حقوق سیاسی دانشگاه تهران، که متأثر از اساتید خود یعنی بشیریه، قادری، عالم و غیره، آگاه به مفاهیم بُن فکن/شالوده‌شکن (توسعه سیاسی، آزادی، دموکراسی، روشنفکری و مانند اینها) شده بود، هرچند ناکام شدند، اما به‌رغم دست‌های ضعیف و خالی خوب پوکر بازی کردند. درواقع، در این دوره، رقابت بیش از آنکه بین الهیاری و موسوی باشد، هماوردی بین رضایی و موسوی بود. اما دوره‌ای که برای دشمن‌زیاری‌ها حسرت و کینه را بر دل داشت، دور ششم بود؛ چراکه با تمام دینامیسم و انرژی خود وارد کارزار شدند و با در پیش گرفتن رویکردی ژئوپلیتیک یعنی انسجام جغرافیایی، برای اولین بار توانستند در طول تاریخ شش دوره انتخابات مجلس روی یک داوطلب اجماع کنند و اکتیویستی پروزن و پوشیده به لباس روحانیت یعنی شیخ علی پارسا را به رقابت با امینی بفرستند. درواقع، دوگانه رضایی/موسوی در دور سوم به شکل تقابل پارسا/امینی در دور ششم بازساخت شد. در رقابت هیجان‌انگیز و نفس‌گیر بین دو نامزد قلمرو بکش و دشمن‌زیاری، این کاندیدای طایفه دشمن‌زیاری بود که به زانو درآمد. درپی تقابل‌ها، تنش‌ها و کدورت‌هایی که بین ساکنان این دو سکونتگاه به واسطه ورود و خروج رأی‌دهندگان رخ داد و متعاقب آن، شکست (تراژدی) در انتخابات روی داد، همه آرمان‌ها و آرزوهای دشمن‌زیاری‌ها بر باد رفت و از این تاریخ به بعد بود که به مهاجرت به شیراز تصمیم گرفتند تا آرمان سیاسی خویش را در آنجا دنبال کنند. در بین سایر طوایف به‌خصوص رستم و جاوید که هرکدام به‌ترتیب شش و چهار کاندیدا داشتند، نوعی ناهماهنگی و اختلاف دیدگاه درمورد اجماع و تصمیم مشترک دربارهٔ یک نامزد وجود داشت. قلمرو رستم که دو دوره متوالی جغرافیای پیروزی قلمداد شد، اما در این دوره فضای یکپارچه‌ای نداشت. رقابت در این فضای جغرافیایی بیش از آنکه برون‌طایفه‌ای باشد، درون‌طایفه‌ای بود و رقابت بین ظفر افشون و رضاقلی الهیاری از سر گرفته شد. با اینکه این دو بازیگر با یکدیگر خویشاوند نزدیک (الهیاری داماد افشون است) بودند، هیچ‌کدام حاضر به تن دادن یه یکدیگر نبودند. الهیاری سومین‌بار و افشون نخستین‌بار بود که وارد پویش انتخاباتی می‌شدند. افشون چهره‌ای اصلاح‌طلب، از بدنه وزارت کشور (بخشدار نورآباد) و همسو با گفتمان کشور بود و در سطوح اداری/اجرایی شهرستان نفوذ درخور توجهی داشت. دیگر نامزدهای طایفه رستم در

مقایسه با این دو، وزن چشمگیری نداشتند و درنهایت، آرای هنگفت این پهنه جغرافیایی وسیع بین این کوشندگان سیاسی پخش و تقسیم شد. اتفاق و هماهنگی گروهی و سیاسی نه‌تنها در طایفه رستم، بلکه در طایفه جاوید نیز وجود نداشت. صفرعلی کریمی در مقایسه با دیگر قدرت‌های سیاسی، شناخته‌تر بود و مردم ساکن در فضای جغرافیایی جاوید، انس و الفت بیشتری با وی داشتند؛ چراکه کریمی در تمام امور اجتماعی مردم طایفه، مشارکت و هم‌ذات‌پنداری داشت. این امر مهم باعث شد که در مقایسه با دیگر نامزدها رأی بیشتری آورد. برخلاف ناهماهنگی و شکافی که در مناطق جاوید و رستم وجود داشت، جغرافیای ماهور میلاتی، هموار و هم‌رأی بود. کوچ‌روان ماهور میلاتی بعد از آنکه نتوانستند مهندس علی‌حسین کرمی آرخلو را پیروز نخستین دوره انتخابات کنند، دیگر نتوانستند نقش‌آفرینی سیاسی درخوری در حوزه انتخابیه ممسنی داشته باشند. در این دوره، فردی خوش‌اقبال‌ترین نامزد به نظر می‌رسید که در دوره قبل نیز از این طالع بلند برخوردار بود. امراله زندی دومین کاندیدای پروزن ترک‌تبار تاریخ سیاسی ممسنی به شمار می‌رود که پرستیژ اجتماعی بالایی در حوزه انتخابیه و به‌ویژه بین ترک‌نشینان ماهور میلاتی داشت، اما ازآنجاکه تُرک‌تباران شهرستان ممسنی در مقایسه با لُرتباران ممسنی جمعیت به‌مراتب کمتری داشتند، وی نتوانست از الگوی رأی طایفه‌ای برای پیروزی در انتخابات سود جوید و تقریباً همان رأیی را (جایگاه ششم) کسب کرد که در دوره قبل دشت کرده بود. زندی قدرت بیان و مهارت ارتباطی خوبی داشت؛ ازاین‌رو به واسطه این برگ‌های برنده، توانست آرای بخش زیادی از رأی‌دهندگان غیربومی ممسنی نظیر کازرونی‌ها، خشتی‌ها و غیره را کسب کند. شعار انتخاباتی این اکتیویست این بود: امروز مردم با زندی، فردا زندی با مردم.

طبق آمار و ارقام انتخاباتی، پشتوانهٔ آرای امینی، گرایش‌های طایفه‌ای و ارتباطات فامیلی و گُوهری بود. آشکارترین نمود فضایی رفتار سیاسی شرکت‌کنندگان در این انتخابات ماهیت قلمرومحور آراء بود؛ بدین صورت که همه نامزدها در بین حوزه جغرافیایی زادگاه خود نفر اول شدند و طایفه‌گرایی تعمیمی بی‌سابقه یافت. نخستین جریان خشونت طایفه‌ای (بکش/دشمن‌زیاری) در انتخابات ممسنی، در این دوره آغاز شد و اگر این دوره را پرچالش

ترین و پرکشمکش‌ترین انتخابات ممسنی بنامیم، از حقیقت دور نشده‌ایم. فروپاشی اخلاقی، مضمون اصلی این انتخابات بود.

جدول ۱۷- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: مؤذنی، ۱۳۷۹، ص. ۷۸

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفهٔ رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفهٔ دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفهٔ ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	سید ابراهیم‌امینی	بکش	۲۵۳۵۰	۳۹٦۰	۱۰٦۱	۱۳۵۳	۳۱۷۲٤
۲	علی پارسایی	دشمن‌زیاری	٤۵٦٦	۸٦۰	۱۵۱٤۳	۱۳۰	۲۰٦۹۹
۳	ظفر افشون	رستم	۲۹٦۵	۷٤۰٦	۱۲٤	۸۲	۱۰۵۷۷
٤	رضاقلی الهیاری	رستم	۲٤۳۱	۷۵۵۲	۳۹	۱۷۹	۱۰۲۰۱
۵	صفرعلی کریمی	جاوید	۷٦۲۵	۱٦۸۱	٦۳۱	۱۲۳	۱۰۰٦۰
٦	امراله زندی	ماهور میلاتی	٤۷۸٤	۳٦۸	۱۷	٤۸۳۹	۱۰۰۰۸
۷	علی احمدی	جاوید	۷۲٤۲	۳۰٦	۱٤۸	٦۷	۷۷٦۳
۸	غلامرضا نیکنام	رستم	۲۳۷	۲۸۳۰	۰	٦٤	۳۱۳۱
۹	مهران کرمی	جاوید	۲۷۲۱	۱۰۰	۲۷	۱۰	۲۸۵۸
۱۰	علی‌حسین‌شهریور	بکش	۱۷۳٦	۱۰۷	۱	۱۷۸	۲۰۲۲
۱۱	ناصر اشرافی	رستم	۳۲۱	۱٦۷۸	۰	۷	۲۰۰٦
۱۲	طاهر ایزدی	جاوید	۱۸۰٤	۱۱۹	۳۷	۲٤	۱۹۸٤
۱۳	محمدرضا دهقان	رستم	٤۲۰	۱۳۷۹	۷	۱۰	۱۸۱٦
۱٤	محمد حسین قائمی	بکش	۷٤	۱۹	۰	٤	۹۷
۱۵	اسکندر سلیمانی	رستم	٦	۳٤	۰	۰	٤۰

جدول ۱۸- میزان مشارکت در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: مؤذنی، ۱۳۷۹، ص. ۷۸

حوزه انتخابیه	دوره ششم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	۱۰٤۰۰۰	۱۱۵۵۳۸	۱۱۱/۱

٤. ١. ٧. هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

انتخابات مجلس هفتم در شرایطی برگزار شد که اصلاح‌طلبان بیشتر کُرسی‌های مجلس ششم را در اختیار داشتند. جدای از علی احمدی، اول اینکه دیگر بازیگران دوره قبل در این دوره حضور نداشتند، دوم اینکه احمدی در قلمرو طایفه خود، سینگل بود، سوم اینکه کنشگرانی نسبتاً بی‌نام و نشان وارد گوی رقابت شدند؛ ازاین‌رو زمینه برای پیش‌تازی احمدی و درنوردیدن فضاهای جغرافیایی مهیا شد. این رجل سیاسی لوگو و اتیکتی اصولگرا داشتند، اما رویکردها و کنشگری‌های آن‌ها منتقدانه و مواضع رفورمیستی داشت. به لحاظ شخصیتی، احمدی چهره‌ای آکادمیک و کاردان بود که ارتباطات دامنه‌دار و پرقدرتی با هسته‌های کلان قدرت داشت و تأییدشده (اعتماد) اُولیای امور بالادستی بود. حضور این فعال سیاسی در دوره قبل، درآمد شناختی مناسبی برای این بازیگر آفرید؛ به‌نحوی‌که در تطابق با دیگر رقبا، نام‌آشنا ترین قدرت سیاسی شمرده می‌شد. از طرفی، تأیید نشدن نامزدِ فرهمند و اصلاح‌طلب طایفه بکش یعنی امینی/نماینده وقت و همچنین فقدان بازیگری پروزن جایگزین امینی، نفوذ ژئوپلیتیک احمدی را شتاب بخشید. امینی که دوره قبل پرفروغ بود و در پارلمان جزء هسته اولیه قدرت محسوب می‌شد، با سیاسی‌کاری و تقابل با جغرافیای قدرت نتوانست از هزارتوی درون/شورای نگهبان، عبور کند (صادقی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۲). رویارویی امینی در مجلس ششم با حاکمیت و تشدید این کنش توسط رقبا با ارسال گزارش‌های خلاف و کذب به نهادهای بالادستی (امینی، ۱۳۹۰، ص. ٦) و پنداشت امینی بر اینکه رقیبانش یعنی عبدالرضا مرادی (و علی احمدی) با نفوذ در جغرافیای قدرت در رد صلاحیت وی تأثیرگذار بودند (مرادی، ۱۳۹۳) و طبعاً دل‌چرکین شدن امینی از مرادی (و علی احمدی) و به‌تبع آن شکر آب شدن روابط این دو بازیگر، زمینه را برای بی‌ثباتی و تشویش قلمرو بکش و متحول کردن فضای طایفه‌ای آماده کرد. امینی در مقام چهره‌ای که قدرت رهبری بالایی دارد، با جهت‌گیری و انتقادهای شدید در بین طرفدارن و خویشاوندان خود علیه مرادی (و علی احمدی) و گوشزد کردن این نکته که به کاندیدای منطقه رستم یعنی میرفردی روی آورید، باعث کنش‌پذیری و انفعال نامزد طایفه بکش (مرادی) و افزایش پایگاه رأی میرفردی شد. به رغم آرای زیاد میرفردی در صندوق‌های طایفه بکش، کثرت بازیگر در قلمرو رستم مانع انباشت آرای

هنگفت طایفه رستم به سود این بازیگر شد و سرشکن شدن آراء و باخت میرفردی در مقابل احمدی را به همراه داشت. در اوایل با ردصلاحیت امینی و میرفردی، این‌طور به نظر می‌رسید که فضای دوقطبی بین علی احمدی و سیدجعفر هاشمی شکل می‌گیرد که با تأیید صلاحیت میرفردی، آراء در فضای جغرافیای رستم، پخش شد و کارزار به سود جغرافیای جاوید و به ضرر جغرافیای بکش و رستم فرجام یافت. به‌طورکلی، به نظر می‌رسد، رقابت در این دوره بین امینی و احمدی بود که یکی از میرفردی حمایت و دیگری از هاشمی طرفداری می‌کرد و درنهایت بازی به سود احمدی خاتمه یافت.

نوع پراکنش فضایی آراء نشان می‌دهد که طایفه‌محوری نقش مؤثری در جهت‌دهی به آرای رأی‌دهندگان داشت؛ به‌طوری‌که هر نامزدی بخشی از طایفه و شهرستان را نمایندگی می‌کرد. طبق آرایی که هرکدام از نامزدها به‌ویژه نامزد پیروز یعنی احمدی در بخش‌ها (زادگاه) اخذ کرده‌اند، می‌توان گفت که انتخابات در این دور متأثر از گرایش‌های مکانی/قلمروی و قطب‌بندی طایفه‌ای تشدید یافت. این نوع رفتار سیاسی و محیطی، قاعده بازی در دموکراسی نیست؛ ازاین‌رو، فضای انتخابات طی ادوار ششم و هفتم از حالت بحث/مباحثه به «مشاجره/مناقشه»[1] کشانده شد. در پایان، علی احمدی با نتیجه‌ای خُردکننده، قدرت‌اله میرفردی را ناک‌اُوت کرد. گزارهٔ یِنَه وَ بالا خواسِنه (این نامزد خواست و پسند اولیای امور و حاکمیت است)، در این دوره بین شهروندان ممسنی رایج شد. همچنین گزارهٔ هَر کَه بِرَ غیره فلانی (نامزد هر طایفه‌ای وارد پارلمان بشود، الّا نامزد طایفه ایکس) در این انتخابات باب شد.

جدول ۱۹- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۸۲

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفهٔ رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفهٔ دشمن-زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفهٔ ماهور-میلاتی)	جمع آراء
۱	علی احمدی	جاوید	۴۱۰۱۸	۵۶۵۰	۵۳۰۷	۲۷۷۶	۵۴۷۵۱
۲	قدرت‌اله میرفردی	رستم	۱۲۵۷۰	۱۳۵۱۷	۴۰۶۵	۱۶۱۲	۳۱۷۶۴

1. Dispute

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش رستم (زیستگاه طایفهٔ رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفهٔ دشمن-زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفهٔ ماهور-میلاتی)	جمع آراء
۳	سید جعفر هاشمی	رستم	٤٨٤٤	١٦٢٢٩	٢٩٦	٧٨١	٢٢١٥٠
٤	عبدالرضا مرادی	بکش	١٠٨٧٧	٥٠٤	١٥٨٠	٦٠٠	١٣٥٦٢
۵	سهراب انصاری	رستم	٤٣٦	٢٦٢١	٥٨	١١	٣١٢٦
٦	نوذر بناوی	رستم	٨٥٠	١٠٩٠	٣١٠	١٦٥	٢٤١٥

جدول ۲۰- میزان مشارکت در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: نگهداری و حسینی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۱

حوزه انتخابیه	دوره هفتم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	میزان درصد
ممسنی	١٢٦١٢٦	١٢٨٦١٠	١٠٢

٤. ١. ٨ هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

گفتمان حاکم بر کشور در این دوره تغییر نکرد و طیف سیاسی اصولگرا اکثریت مجلس را تشکیل داد. وفور بازیگر سیاسی و به دنبال آن جنگیدن در دو جبهه درونی (طایفه) و برونی (غیرطایفه‌ای) که باعث ناکامی داوطلبان منطقه رستم در دوره قبل شد، در این دوره درعمل پیروزی را برای علی احمدی، نامزد قدرتمند قلمرو جاوید و نماینده وقت ممسنی، محال کرد. از طرفی، اثرگذاری جغرافیای قدرت، پراکنش ناعادلانه تعرفه، ناامنی و قُرُق کردن صندوق‌های رأی بر شکست احمدی اثرگذار بود (احمدی، ۱۳۸۷، ص. ۸). عبدالرضا مرادی به رغم ناشناخته بودن در دوره قبل و تأخیر در ورود به کارزار انتخابات و کدورت و حوادث منبعث‌شده از مناسبات خود با نماینده وقت، اگر پشتوانه طایفه‌ای می‌داشت، به‌مراتب سبد رأی غنی‌تری را اخذ می‌کرد. مرادی در این دوره با کیاست و کسب تجربهٔ انباشته سیاسی، وفادار در موقعیت‌های اجتماعی و حس همدردی بدون توقع به میدان آمد و اتفاقاً خوش‌اقبال بود؛ چراکه همانند دوره قبل در قلمرو وی کاندیدای پرشوکت و متعددی حضور نداشت؛ این مهم منتج به حضور در چندین جبهه و تقسیم آرای زادگاهی/طایفه‌ای نشد. از طرفی قلمرو رستم از

صحنه‌گردانان قدرتمند و مقبولی نظیر هاشمی و میرفردی خالی بود و به‌ویژه در قلمرو رقیب خود یعنی جاوید، حضور متعدد بازیگر، وحدت جغرافیایی طایفه را ضعیف کرد و باعث خلق شکاف های فضایی و تیره‌ای در این طایفه شد. مرادی به‌ویژه در مناطق دورافتاده و شهرها و روستاهای غیربزرگ بیش از همه با تکیه بر مسائل معیشتی و قول و قرار به شکار رأی رفت و نسبتاً موفق بود.

رقابت‌های ژئوپلیتیکی جاوید و بکش که در ادوار قبل شروع شده بود، در این دوره درعمل نهادینه و کلاسیک شد. در این دوره، مرادی با اخذ بیشترین آراء در قلمرو خود یعنی بکش، نشان داد که از پشتوانه زادگاهی/طایفه‌ای وسیعی برخوردار است؛ بااین‌حال، وی نتوانست در صندوق‌های ساکن در حوزه جغرافیایی طایفه جاوید که از وزن ژئوپلیتیک سنگینی برخوردار بود، آرای لازم را اخذ کند؛ این امر حاکی از کاهش نفوذ او در این طایفه است؛ ازاین‌رو این بازیگر با اخذ بیشترین آراء در فضای زیستگاهی خود و سایر فضاهای جغرافیایی، علی احمدی را حاکم‌کوت و سُکان‌دار منافع و دیدگاه‌های شهروندان در چهارچوب قانون نمایندگی شد. با استناد به آمار و ارقام انتخاباتی، اکتیویست‌ها در حوزه‌های ژئوپلیتیک خود بیشترین پشتیبانی و جانبداری را داشته‌اند و طرفداران سرسخت و دوآتشه آن‌ها که مرد بحران بودند، یکدیگر را به «قُلدری» متهم کردند و به تسخیر صندوق‌ها و جدال بدنی روی آوردند؛ ازاین‌رو انتخابات تحت‌الشعاع پیکارهای طایفه‌ای و لایه‌بندی عناصر قومی–طایفه‌ای، در سطحی بی‌سابقه شدیدترین حالت را داشت. انتخابات دور هشتم، نمایش شوربختی بزرگ بود؛ چراکه «چُماق/جریان خشونت» نقش مهمی در رأی و پیروزی نامزدها داشت. نبرد علی احمدی و عبدالرضا مرادی، سنگین‌ترین نبرد در طول تاریخ انتخابات ممسنی به شمار می‌رود و از آن به‌عنوان «مادر همه نبردهای انتخاباتی» یاد می‌شود. شکست علی احمدی از عبدالرضا مرادی، شکستی استراتژیک یا حتی فراتر از یک شکست انتخاباتی و امتیازی سُترگ در شطرنج سیاسی مرادی علیه مخالفان بود. گزارهٔ یِنَه وَ بالا خواسِنِه در این دوره بین شهروندان ممسنی تثبیت شد.

جدول ۲۱- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: فرمانداری ممسنی، ۱۳۸٦

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش‌رستم (زیستگاه طایفهٔ رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفهٔ دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفهٔ ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	عبدالرضا مرادی	بکش	۳٤۲۹۸	۱۰۲۳۰	۳۹۹٦	۳۰۳۹	٥۱٥٦۳
۲	علی احمدی	جاوید	۲۲۹۱۰	۸۳۲۱	۳۱٦۳	۲۸۹۷	۳۷۲۹۱
۳	نوذر بناوی	رستم	٤۹۹	۷٦۹٦	۱۰٦	۲۷۳	۸٥۷٤
٤	امیرحسین رشیدی	بکش	۳٤۱۰	۱۱٦٦	۲٤۱	۸۱	٤۸۹۸
٥	منوچهر قائدی	جاوید	۲٥۸۲	۳٤٦	۷	۱۲	۲۹٤۷
٦	مهندس ایرج همتی	جاوید	۱٦۰٦	۱۸٥	۹۳٤	۲۱	۲۷٤٦
۷	امین عربی	جاوید	۹۷٥	۲۹٤	۲٤۹	٤٤	۱٥٦۲

جدول ۲۲- میزان مشارکت در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: نگهداری و حسینی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۱

حوزه انتخابیه	دوره هشتم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	درصد مشارکت
ممسنی	۱۰٥۰۰۰	۱۰۹٥۸۱	۱۰٤

٤. ۱. ۹. نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی تحت‌تأثیر حوادث انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ برگزار شد. در بین مردودشده‌ها، نام دو شخص طایفه‌های جاوید و بکش یعنی محمد رنجبر و عبدالرضا مرادی به چشم می‌خورد که توان زیادی در جذب آراء داشتند؛ با وجود این، می‌توان نتیجه گرفت که نامزدهای تأیید صلاحیت‌شده هریک از این دو طایفه یعنی شفیعی و قائدی، گزینه‌های بعدی انتخاب از سوی رأی‌دهندگان بودند. در این دوره کنشگرانی توانسته بودند پا به صحنه انتخابات بگذارند که در درجه نخست برای اولین بار بود که وارد ماراتن انتخابات می‌شدند و برای توده مردم ناشناخته و گمنام بودند؛ ازاین‌رو به نظر می‌رسید انتخابات در این دور از شور و هیجان زیاد نداشته باشد؛ بااین‌حال، در بین این فعالان، کاندیدای قلمرو جاوید

یعنی سعید قائدی به‌تدریج مدنظر بخش سترگی از فضای جغرافیایی قرار گرفت. قائدی نه‌تنها در قلمرو خود یعنی جاوید شناخته شد، بلکه آرام‌آرام در بین دیگر قلمروها و دیگر طوایف نسبتاً چهره‌ای شناخته و آشنا از آب درآمد، اما آن سوی داستان فردی از طایفه بکش وارد کارزار شد که بسیار ناشناخته به نظر می‌رسید. نوذر شفیعی، کاندیدای راست‌قامت، رسمی، اتوکشیده و پایتخت نشینی بود که سال‌ها به دور از شهرستان و برای مردم ممسنی و به‌خصوص طایفه بکش ناشناخته و تاریک بود؛ بنابراین این دو نامزد شهرت اجتماعی زیادی در رأی‌آوری در حوزه جغرافیایی‌شان (طایفه‌شان) نداشتند. در این دوره، طایفه بکش به طور نسبی اقبالی به نوذر شفیعی –به دلیل شهرت کم و پایتخت‌نشینی‌اش– نداشتند و چنانچه پیش‌تر اشاره شد، تَک‌دل آن‌ها، نماینده دوره قبل یعنی مرادی بود که از سوی شورای نگهبان پسندیده نشد. اما دلیل اینکه این طایفه به نوذر شفیعی رأی دادند چه بود؟ در پاسخ به این سؤال، تحلیل فضای طایفه‌ای در آستانه برگزاری انتخابات راهگشاست. طبق دیده‌ها و شنیده‌ها، اوضاع از هر لحاظ قرین آرامش بود و شرایط به نحوی پیش می‌رفت که فضا برای سعید قائدی فراهم می‌شد و رأی‌دهندگان جاویدی و بخش سنگینی از بدنه بکش، تصمیم به حمایت از کاندیدای طایفه جاوید یعنی قائدی گرفتند که ناگهان در گرماگرم فعالیت‌ها و در واپسین ساعات خاتمه رأی‌گیری به واسطه اختلاف و درگیری‌هایی که بین بخشی از رأی‌دهندگان به وجود آمد، فضا ملتهب شد و شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد؛ به طوری‌که تحرکات و جرقه‌هایی برای انتخاباتی با شاخصهٔ طایفه‌ای از طرف بخشی از بدنه رأی‌دهنده زده شد و واکنش شدید طایفه مقابل را به صورت اجماع آن‌ها بر انتخاب شفیعی برانگیخت. این مسئله باعث شد، نظم سیاسی، ساختاری دوقطبی و زورآزمایی خیابانی بین طرفداران دو رقیب دیرینه یعنی جاوید و بکش بازساخت شود و منجر به برانگیخته شدن حساس ترین اعصاب‌های ژئوپلیتیک، تحریک عواطف، تعصب مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی مهم و دارای حس و تعلق مکانی زیاد، برای مشارکت شد؛ ازاین‌رو رأی‌دهندگان، شیردلانه توده‌وار با خانواده و خویشان به شعبه‌های اخذ رأی هجوم آوردند و رأی خود را به نفع هم‌زادگاهی خود به صندوق آراء انداختند و برآیند آن، انتخابات با گرایش‌های شدید زیستگاهی و طایفه‌ای همراه شد؛ به‌نحوی که قشون‌کشی، سنگ‌پرانی و جان باختن یک نفر با شلیک گلوله از جلوه‌های آن بود. خاستگاه تباری و دودمانی آرای نامزدها در انتخابات مجلس نهم آنقدر درون‌مایه‌ای متعصب و دُگم داشت

که به پلاک امنیتی (خطوط قرمز) بر حوزه انتخابیه ممسنی منتج شد. از زاویه شدت تعارض با موازین انتخابات آزاد و منصفانه، انتخابات مجلس نهم رکورد جدیدی را ثبت کرد. شفیعی نه‌تنها در قلمرو طایفه‌ای خود، بلکه در قلمرو ترک‌تبار ماهور میلاتی به واسطه خویشی وی با این منطقه، بیشترین رأی را به دست آورد. گزارهٔ یِنَه وَ بالا خواسنه، در این دوره بین شهروندان ممسنی شکوفا شد.

جدول ۲۳- آرای نامزدها به تفکیک بخش‌ها در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات استانداری فارس، ۱۳۹۰

ردیف	نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی (زیستگاه طوایف بکش و جاوید)	بخش‌رستم (زیستگاه طایفهٔ رستم)	بخش دشمن‌زیاری (زیستگاه طایفهٔ دشمن‌زیاری)	بخش ماهورمیلاتی (زیستگاه طایفهٔ ماهورمیلاتی)	جمع آراء
۱	نوذر شفیعی	بکش	۳۷۱۲۷	۳٦٤۹	۲۹۳٥	٥۰۲٦	٤۸۷۳۷
۲	سعید قائدی	جاوید	۲۳۹٤٥	۳۳۳٤	۱۹۳۳	٥٥۸	۲۹۷۷۰
۳	مجید انصاری	رستم	٤٤۰۷	۲۳۱۸۸	۱۳۹٤	٦۸٤	۲۹٦۷۳
٤	حمیدرضا دهقان	رستم	۹۳۲	٥۳٦۹	۸۷	۹۰	٦٤۷۸

جدول ٢٤- میزان مشارکت در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مأخذ: دفتر انتخابات استانداری فارس، ۱۳۹۰

حوزه انتخابیه	دوره نهم انتخابات مجلس شورای اسلامی		
	جمعیت واجد شرایط	میزان مشارکت	میزان درصد
ممسنی	۱۱۱٥٦۹	۱۱٤٦٥۸	۱۰۳

۵. نتیجه‌گیری

مجلس اول نخستین تجربه مجلس در جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت. با توجه به گفتمان انقلابی حاکم بر کشور و شور انقلابی که در جامعه حاکم بود، مسلم است که گرایش اکثریت آراء به سمت نامزدهایی بود که چهره انقلابی و مردمی داشتند. از حوزه انتخابیه ممسنی، صمد شجاعیان با توجه به شخصیت فرهنگی و کارنامهٔ مبارزاتی‌اش حائز اکثریت آراء شد. این دوره با توجه به

جو انقلابی حاکم در جامعه، میزان مشارکت انتخاباتی ٦٤ درصد بود. دور دوم انتخابات، باتوجه به کم بودن تعداد داوطلب در حوزه انتخابیه ممسنی (سه نفر)، رقابت بین صمد شجاعیان و سید عبدالرسول موسوی از سر گرفت. این دو نامزد از یک حوزه زیستگاهی (بخش مرکزی) ولی با دو پایگاه طایفه‌ای/نَسبی متفاوت برخاسته بودند. هر دو نامزد از شخصیت‌های به‌نام، با کارنامهٔ مبارزاتی درخشان در منطقه بودند، اما با توجه به مردمی بودن شجاعیان و سابقه چهارسالهٔ نمایندگی دوره نخست، مردم با وی احساس قرابت بیشتری می‌کردند. میزان مشارکت انتخاباتی با توجه به روحیه و نشاطی که بعد از پیروزی انقلاب به وجود آمده بود، در مقایسه با دوره قبل ١٦ درصد افزایش داشت. در نوزدهم فروردین ١٣٦٧ که آخرین سال جنگ تحمیلی بود، ٧٢ هزار و ٦٢٢ نفر از ساکنان حوزه انتخابیه ممسنی به پای صندوق‌های اخذ رأی رفتند تا نماینده مجلس سوم را انتخاب کنند. از نکات درخور توجه در این دوره، اینکه صمد شجاعیان نماینده دو دوره حوزه انتخابیه ممسنی وارد نبرد انتخابات نشد و همین مسئله زمینه را برای پیروزی دیگر نامزدها فراهم کرد که عاقبت موسوی از بخش مرکزی و حوزه جغرافیایی بکش توانست پیروز انتخابات شود. پایگاه رأی‌آوری موسوی متأثر از پیشینهٔ سیاسی–انقلابی وی بود و او تجربهٔ دو دوره نامزدی در کارنامهٔ خود را داشت. میزان مشارکت در این دوره ٨ درصد در مقایسه با دوره قبل افزایش داشت. تداوم سازندگی همچنان در رأس دستور کار مجلس چهارم بود. در این انتخابات، طبعاً گرایش رأی‌دهندگان به سمت نامزدهایی بود که همسو با گفتمان حاکم بر کشور پیش می‌رفتند. قلمرو جغرافیایی جاوید و ماهور میلاتی، نامزدی در انتخابات نداشت و کاندیداهای شورانگیز و جریان‌ساز دشمن‌زیاری و رستم یعنی رضایی و هاشمی رد صلاحیت شدند که این مهم، شور انتخاباتی را در مقایسه با دور قبل ٤ درصد فروکاست و رقابت‌های انتخاباتی طایفه‌ای را کاهش داد. این نزول متأثر از خلأ قدرتی بود که در فضای جغرافیایی طایفه جاوید، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی احساس می‌شد. ضمن اینکه حضور مجدد موسوی با توجه به ضعف عملکردی دوران نمایندگی و تحرکات رئیس‌مآبانه وی، در این کاهش بی‌تأثیر نبود. گرایش‌های مکانی/زادگاهی در قالب تعصب طایفه‌ای در این دوره آغاز شد. به‌طورکلی، در چهار دوره انتخابات برگزارشده در حوزه انتخابیه ممسنی تا این زمان، این تنها انتخاباتی بود که طایفه‌محوری با ماهیت

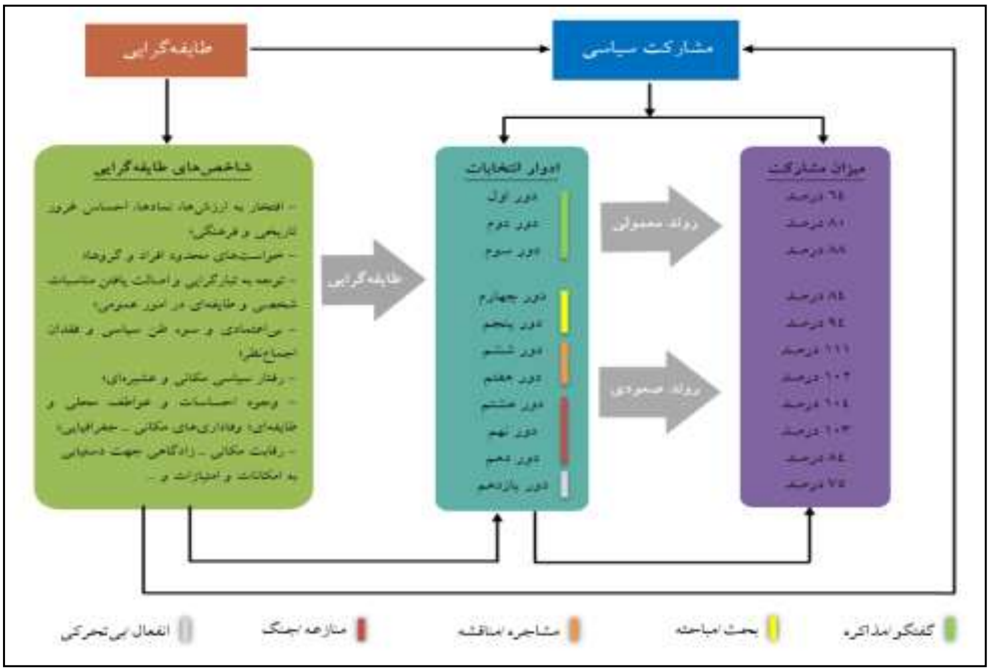
سیاسی/تعصبی نقش نسبتاً مؤثری در جهت‌دهی به آرای رأی‌دهندگان داشت. دور پنجم انتخابات مجلس به‌دلیل حضور جناح‌ها و گرایش‌های مختلف در صحنه، شاهد افزایش مشارکت انتخاباتی در مقایسه با دوره قبل بود. در این دوره با ارتقای منطقه رستم به‌عنوان بخش رستم و حضور نامزدهایی با طوایف و زیستگاه جغرافیایی مختلف و گرایش‌های متفاوت فکری/اعتقادی، مرزبندی‌ها و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی در حوزه انتخابیه ممسنی ایجاد شد. این جدایی‌گزینی‌های اجتماعی به تدریج بُعد فضایی/مکانی پیدا کرد. چنین مرزبندی‌ها و جدایی‌گزینی‌های جغرافیایی/زادگاهی، چندی بعد سرشتی هویتی/گوهری به خود گرفت؛ به‌گونه‌ای‌که ساکنان به مکان و فضای جغرافیایی خود (طایفه خود) دلبسته شدند و علقه‌های روانی و عاطفی خاصی بین ساکنان با زادگاه خود پدید آمد؛ ازاین‌رو مکان واجد بار سیاسی شده و کُنش سیاسی ساکنان معطوف به دفاع از نامزدهای قلمرو جغرافیایی خود است. در این دوره، هویت طایفه‌ای به‌عنوان یک واحد همراه با علایق و گرایش‌های رفتاری خاص، برجسته شد و علایق جغرافیایی و زادگاهی تقویت شد. این امر نوعی اندیشه ناسیونالیسم به همراه داشت که نوعاً بنیاد و مقیاسی طایفه‌ای و محلی داشت و نه زیرساختی ملی و سرزمینی؛ بنابراین با توجه به آرایی که نامزدها در حوزه نفوذ خود (طایفه خود) کسب کرده‌اند، به نظر می‌رسد هویت مکانی/طایفه‌ای بنیاد پایگاه رأی‌آوری ایشان بوده است. میزان مشارکت انتخاباتی در این دوره متأثر از تعصب طایفه‌ای در مرحله اول در مقایسه با دور قبل ۱۰ درصد افزایش داشت و در مرحله دوم با توجه به معدود بودن نامزدها و الگوی رفتار انتخاباتی طایفه‌ای حاکم بر حوزه انتخابیه ممسنی، این میزان مشارکت حدود ۸ درصد در مقایسه با مرحله اول کاهش یافت. در ششمین دوره انتخابات، ۱۵ داوطلب از حوزه انتخابیه ممسنی که غالباً از جناح اصلاح‌طلب بودند، به رقابت با یکدیگر پرداختند. این تعداد بعد از نخستین دوره (۲۰ نفر) بی‌سابقه بود. به‌دلیل رقابت همه طوایف با یکدیگر و حضور گروه‌ها و طیف‌های سیاسی و شفاف‌تر شدن مواضع تشکل‌ها، شور و هیجان فزاینده‌ای بین رأی دهندگان به وجود آمده بود؛ به‌طوری‌که میزان مشارکت در این دوره در مقایسه با دوره قبل ۱۷ درصد افزایش داشت. با توجه به این میزان مشارکت، یکی از داغ‌ترین و پرشورترین انتخابات بوده است. نامزدها در این دوره از طیف سیاسی خاصی هواداری می‌کردند، اما آمار

و ارقام انتخاباتی بیانگر این است که همه نامزدها به یاری طایفه و خویشان پرشمار و گسترده شان که در زیستگاه جغرافیای خودشان ساکن هستند، بیشترین پشتوانهٔ آراء را کسب کرده‌اند. انتخابات مجلس هفتم با دوران دوم دولت اصلاح‌طلب مقارن بود و طبعاً باید اقبال با داوطلبانی باشد که از این جناح برخاسته بودند، اما اتفاقات مجلس ششم و درپی آن، درصد زیادی از نمایندگان، کناره‌گیری خود را از کُرسی نمایندگی اعلام کردند. این حوادث موجب رد صلاحیت این نامزدها و به‌خصوص نماینده اصلاح‌طلب دوره قبل (امینی) حوزه انتخابیه ممسنی شد. نوع پراکنش فضایی آراء نشان می‌دهد که انگیزه‌های مشترک و فراگیر سیاسی/اجتماعی نمود عینی در این انتخابات نداشت و نگرش محلی/طایفه‌ای نقش بنیادین را در جهت‌دهی به آرای رأی‌دهندگان داشت؛ به‌طوری‌که هر نامزدی بخشی از طایفه و فضای جغرافیایی خود را نمایندگی می‌کرد و مردم هر محدودهٔ سرزمینی مشخص با شور و اشتیاق به نامزدهای هم‌محلی و هم‌طایفه‌ای خود رأی دادند که با وی احساس خویشاوندی و قرابت بیشتری می‌کردند؛ ازاین‌رو به نظر می‌رسد مشارکت انتخاباتی با توجه به تعلق مکانی و عصبیت طایفه‌ای که بین رأی‌دهندگان وجود داشت، تحت‌تأثیر قرار گرفت. با اقدام شورای نگهبان در رد صلاحیت نامزد طایفه بکش در کاهش میزان مشارکت (۹ درصد) در مقایسه با دور قبل بی‌تأثیر نبود، اما میزان مشارکت کم‌نظیر بود. دور هشتم انتخابات مجلس در شهرستان ممسنی با کاندیداتوری ۷ نفر آغاز شد. پیکار انتخاباتی در این دوره بین دو قطب اصلی منطقه یعنی کاندیدای طایفه بکش و جاوید (مرادی و احمدی) بود که این مسئله می‌توانست مشارکت انتخاباتی را از منظر رقابت‌های ژئوپلیتیکی که این دو طایفه با هم دارند، تحت الشعاع قرار دهد؛ چراکه این دوقطب، قدرت برتر در پهنهٔ جغرافیای سیاسی ممسنی شمرده می‌شوند و هر دو در جست‌وجوی نفی یکدیگر هستند؛ بنابراین در این دور تمام نامزدها در قلمرو زیستگاهی خودشان که به‌نوعی عمق و حوزه نفوذ آن‌ها به شمار می‌رفت، حائز اکثریت آراء شدند. میزان مشارکت در این دوره در مقایسه با دوره قبل ۲ درصد افزایش داشت، اما به نظر می‌رسد با حضور نامزدهایی از طایفه دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی در عرصهٔ انتخابات –با توجه به گرایش‌های طایفه‌ای که در فضای جغرافیایی ممسنی وجود داشت– این میزان مشارکت بیشتر شود. نهمین دوره انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه ممسنی با تأیید صلاحیت

چهار کاندیدا کلید خورد. یکی از عواملی که به نظر می‌رسد باعث شد مشارکت انتخاباتی در این دوره در مقایسه با دوره قبل یک درصد کاهش یابد، اقدام شورای نگهبان در رد صلاحیت دو تَن از نامزدهای پروزن دو طایفه جاوید و بکش (رنجبر و مرادی) بود. این دو طایفه با توجه به تعارض‌های تاریخی که پیوسته در زمان انتخابات (مجلس) با هم دارند، همواره به تعصب، ستیز و تنش‌های انتخاباتی منجر شده‌اند و رأی‌دهندگان هر طایفه را به تحریک و تشجیع مشارکت و حضور حداکثری وا می‌داشتند؛ ازاین‌رو به نظر می‌رسید با حضور داشتن دو نامزد اصلی قلمرو سیاسی جاوید و بکش در پویش انتخابات، میزان مشارکت انتخاباتی در مقایسه با دوره قبل بیشتر شود. نگاهی به آرای هریک از نامزدها نشان می‌دهد که هریک از این بازیگران در بین قلمرو طایفه خودشان بیشترین میزان رأی را اخذ کرده‌اند. می‌توان نتیجه گرفت مشارکت انتخاباتی در این دوره متأثر از عُلقه‌ها و تعصبات جغرافیایی و عشیره‌ای بود.

براساس یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی، به‌رغم تأثیرگذاری الگوی رأی طایفه‌ای در ادوار اول تا سوم، این الگو ماهیتی تعصب‌محور و نفی‌گرا نداشته است؛ بلکه درون‌مایه‌ای اکولوژیک در قالب عنصر شناخت محیطی از نامزدها داشته است. همچنین سبد رأی نامزدها صرفاً متأثر از جایی نیست که در آن زندگی می‌کردند (قلمرو زیستی/زادگاهی)؛ بلکه در سایر مکان‌ها و حوزه‌ها، رأی نسبتاً پروزن و غیرطایفه‌ای تحصیل کرده‌اند که بیانگر آن است که پایگاه رأی اکتیویست‌ها طی این سه دوره به‌شدت طایفه‌محور و زادگاه‌گرایانه (تک‌عاملی) نبوده است؛ بلکه دیگر الگوهای رأی‌دهی (چندعاملی) نیز مؤثر بودند و نمایندگان برآیند عقل جمعی مردم ساکن در فضا بودند؛ ازاین‌رو جُستار طایفه و همسایگی و خویشاوندگرایی درون‌مایه‌ای اخلاقی و انسان‌گرایانه داشته و تأثیر چندانی بر پشتوانهٔ آرای نامزدها نداشته است؛ بنابراین مشارکت انتخاباتی تحت‌تأثیر گفتمان‌ها، جریان‌ها و تشکل‌های سیاسی حاکم بر کشور روندی صعودی داشته و این سیر فزاینده رویه طبیعی/معمولی خود را داشته است. از دور چهارم با باردار شدن فضای جغرافیایی از حیث سیاسی، گرایش‌های طایفه‌ای تعصب‌محور آغاز شد و دور پنجم به‌ویژه با ارتقا و انتزاع محدودهٔ فضایی طایفه رستم از بخش مرکزی به‌عنوان یک بخش مجزا و مشارکت جناح‌ها و گرایش‌های متفاوت فکری/اعتقادی و حضور نامزدهای با طوایف مختلف، مرزبندی‌ها و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی در حوزه انتخابیه ممسنی خلق شد.

این جدایی‌گزینی‌های اجتماعی به‌تدریج بُعد فضایی/مکانی پیدا کرد و حوزه انتخابیه به حوزه‌های جغرافیایی مختلف تقسیم شد. با تکه‌تکه شدن فضای جغرافیایی، کنش سیاسی ساکنان درون‌زادگاهی/انقباضی و طایفه‌گرایی خواستی همگانی شد، بنابراین از دورهای چهارم و پنجم به بعد، مرزبندی‌های هویتی و دودمانی نمودار شد، ساکنان را از یکدیگر جدا کرد و سرچشمهٔ تولید مفاهیم «خود» و «دیگران» را به همراه داشت. این مسئله به شکل‌گیری رفتار انتخاباتی هویت‌گرایانه و هماوردی خیابانی طایفه‌ای (خشونت‌بار) منجر شد و میزان مشارکت انتخاباتی را تحت‌الشعاع قرار داد و شعله‌های آن را فزون‌تر کرد؛ به‌طوری‌که داده‌ها گویای این است که مشارکت، روندی صعودی فزاینده‌ای را طی کرده است و حتی از جمعیت واجد شرایط بیشتر است (شکل ۲)؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی‌بر تأثیر گرایش‌های طایفه‌ای بر مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی تأیید می‌شود.



شکل ۲- مدل مفهومی تأثیر طایفه‌گرایی بر مشارکت انتخاباتی

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

کتاب‌نامه

۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*. جدول جمعیت و خانوار به ترتیب استان و شهرستان. بازیابی از https://www.amar.org.ir

۲. امینی، س. ا. (۱۳۹۰). گفتگو با سید ابراهیم امینی. *فصل‌نامه فراسو*، *۵*(۱۵)، ۸–٤.

۳. حافظ‌نیا، م. ر.، و کاویانی‌راد، م. (۱۳۹۳). *فلسفه جغرافیای سیاسی*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

٤. صادقی، و. (۱۳۹۳). *بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی (مطالعه موردی: شهرستان ممسنی)* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۵. فرمانداری ممسنی (۱۳۹۰–۱۳۸٦–۱۳۸۲–۱۳۷٤–۱۳۷۱–۱۳٦۷–۱۳٦۳–۱۳۵۹–۱۳۵۸). *صورت جلسه گزارش نتیجه اولین، دومین، هفتمین، هشتمین و نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی*.

٦. قاسمی، ط. (۱۳۹۹). تبارشناسی طوایف شهرستان ممسنی و نقش آن‌ها در انتخابات، مصاحبه نگارنده با ایشان در تاریخ ۵/۱۰ /۱۳۹۸.

۷. مرادی، ع. (۱۳۹۳). *تحلیل انتخابات شهرستان ممسنی*، مصاحبه نگارندگان با ایشان در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۰.

۸. معاونت سیاسی دفتر انتخابات استانداری فارس (۹۰–۱۳۸۳). *اطلاعات آماری مربوط به حوزه انتخابیه ممسنی*.

۹. مؤذنی، م. ع. (۱۳۷۹). *سیمای انتخابات فارس (با تأکید بر انتخابات مجلس ششم)*. حوزه معاونت سیاسی ـ امنیتی دفتر امور اجتماعی و انتخابات، وزارت کشور، استانداری فارس.

۱۰. نگهداری، م. (۱۳۹۰). *اطلاعات آماری، انتخابات دور اول تا ششم مجلس شورای اسلامی در استان فارس*. جزوه مکتوب.

۱۱. نگهداری، م.، و حسینی، م. ع. (۱۳۸۷). *نگاهی به انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی در استان فارس*، جزوه مکتوب.

۱۲. رضایی، ه. (۱۳۹۳). گفتگو با هیبت‌اله رضایی. *فصل‌نامه فراسو*، *۷*(۲۳–۲٤)، ۲۳–۱۸.

۱۳. احمدی، ع. (۱۳۸۷). گفتگوی با علی احمدی. *فصل‌نامه فراسو*، (۱–٤)، ۱۲–۸.